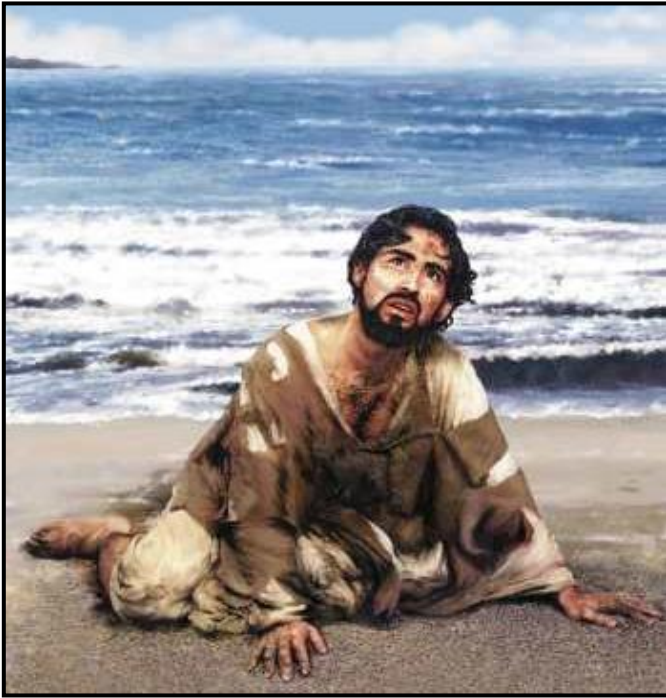


توبه نینوا (تعمقی در باب کتاب یونس)



روزی علمای دین یهود، که عده‌ای فریسی نیز در میانشان بودند، نزد عیسی آمدند و از او معجزه‌ای خواستند تا ثابت کند که مسیح موعود است. اما عیسی به ایشان جواب داد: «فقط مردم بدکار و بی‌ایمان طالب معجزات بیشتر می‌باشند. اما معجزه‌ای دیگری به شما نشان داده نمی‌شود مگر معجزه‌ای یونس نبی. زیرا همانطور که یونس سه شبانه روز در شکم آن ماهی بزرگ ماند، من نیز سه شبانه روز در دل زمین خواهم ماند. در روز داوری، مردم نینوا برضد شما قیام کرده، شما را محکوم خواهند نمود، زیرا ایشان با شنیدن موعظه‌ای یونس توبه کردند، ولی اکنون که شخصی بزرگتر از یونس در اینجا ایستاده است، به او گوش نمی‌دهید. (انجیل به روایت متی باب ۱۲ آیات ۳۹ تا ۴۱)

مسیح واقعه مصلوب شدن و قیامش را به معجزه یونس تشبیه کرد.

یونس نبی حدود ۷۸۰ ق م در زمان یربعام دوم (دوم پادشاهان ۲۳:۱۴-۲۵) در جت (شهری کوچک در نزدیکی ناصره) می‌زیست و از انبیای پادشاهی شمالی می‌باشد.

و کلام خداوند بر یونس بن امتای نازل شده، گفت: «برخیز و به نینوا شهر بزرگ برو و بر آن ندا کن زیرا که شرارت ایشان به حضور من بر آمده است.»

یونس نبی خداوند بود و خداوند با او صحبت می‌کرد و با خداوند مشارکت داشت و او را برای اعلام کلامش می‌فرستاد. خداوند برای ملل مختلف پیغامی دارد، او برای شهرهای بزرگ پیغامی دارد، او بر ضد گناه و برای توبه از گناه امروز هم پیغامی دارد و به ما می‌گوید که آنرا اعلام کنیم.

خداوند به یونس گفت: «برخیز و برو.» خداوندمان مسیح نیز گفت: «بروید و همه امتها را شاگرد سازید.» (متی ۲۸:۱۹) اگر خداوند شما را جایی می‌فرستد شک نکنید بروید چون او خود پیروزی را به ارمغان خواهد آورد.

اما یونس برخاست تا از حضور خداوند به ترشیش فرار کند و به یافا فرود آمده، کشتی‌ای یافت که عازم ترشیش بود. پس کرایه‌اش را داده، سوار شد تا همراه ایشان از حضور خداوند به ترشیش برود. فرار از دست خداوند چه فکر احمقانه‌ای است! هیچ جایی نمی‌توان رفت که خدا نباشد و هیچ کاری نمی‌توان کرد که او نبیند و هیچ حرفی نمی‌توان زد که او نشنود و هیچ فکری نمی‌توان کرد که او نفهمد.

در مزمور ۱۳۹ می‌بینیم که از حضور خدا نمی‌توان فرار کرد چون او در همه جا حضور مطلق دارد (وحدت وجود را نمی‌پذیریم که خدا را همه چیز و همه چیز را خدا می‌داند. مثلاً طبیعت خداست یا جزی از خداست را قبول نداریم ولی ایمان داریم که خدا در همه جای طبیعت وجود دارد ولی جزی از آن نیست).

ما اگر از ماموریتی که خدا به ما داده است فرار کنیم، باید به خداوند در روز داوری جواب پس بدهیم. (لوقا ۱۲:۴۸)

و خداوند باد شدیدی بر دریا وزانید که تلاطم عظیمی در دریا پدید آمد چنانکه نزدیک بود که کشتی شکسته شود

خداوند می تواند از هر وسیله ای برای تحقق اراده اش استفاده کند و در این کتاب می بینیم که او از یونس، از باد و طوفان، از ماهی، از کرم و درخت کدو استفاده می کند. او از چوب دستی موسی استفاده کرد و امروز هم می تواند از آنچه در دسترس ماست (مثل محل کارمان و یا استعدادهای که داریم) استفاده کند و همچنین می تواند به طرق مختلف مثل درهای باز و درهای بسته اراده خود را به ما نشان دهد. (البته هدایت بوسیله درهای باز و درهای بسته نباید با کلام خدا در تناقض باشد).

و ملاحان ترسان شده، هر کدام نزد خدای خود استغاثه نمودند و اسباب را که در کشتی بود به دریا ریختند تا آن را برای خود سبک سازند. اما یونس در اندرون کشتی فرود شده، دراز شد و خواب سنگینی او را در ربود. چقدر باعث تاسف است که بی ایمانان به خدای دروغین خود دعا می کردند ولی یونس در خواب بود و دعا نمی کرد! خلیبها می گوید آرامش من نشان می دهد که من در خداوند هستم ولی یونس آرامشی کاذب داشت ولی در خلاف اراده خدا بود!

پس احساسات و آرامش ما همیشه ملاک درستی نیست از اینکه زندگی ما مطابق خواست خداست یا نه! ملاک درست، تعالیم صریح کلام خداست. ما باید با ایمان رفتار کنیم نه احساسات (دوم قرنیتیان ۵:۷). ما هم گاهی مثل یونس با وجود اینکه دنیا در خطر است بی تفاوت و بی خیال تنها به فکر آسایش خود هستیم. گاهی متاسفانه غیرت غیر مسیحیان بیشتر از مسیحیان در دعا و خدمت است!

و ناخدای کشتی نزد او آمده، وی را گفت: «ای که خفته ای تو را چه شده است؟ برخیز و خدای خود را بخوان شاید که خدا ما را بخاطر آورد تا هلاک نشویم. گاهی خداوند از زبان بی ایمانان نیز خادمین خدا را توبیخ می کند! خداوندا چشمان ما را بگشای تا کار تو را به بهترین نحو انجام دهیم و به نصیحتهای دیگران اگر مطابق اراده توست گوش دهیم و مسیحیانی نصیحت پذیر مطابق کلام و اراده ات باشیم.

«و به یکدیگر گفتند» : بیایید قرعه بیندازیم تا بدانیم که این بلا به سبب چه کس بر ما وارد شده است؟» پس چون قرعه انداختند، قرعه به نام یونس درآمد. کلام خدا در امثال ۱۶:۳۳ می گوید: "انسان قرعه را می اندازد، اما حکم آن را خداوند تعیین می کند." اگرچه قرعه در عهد جدید با داشتن کلام خدا و روح القدس وسیله ای مطمئن نمی باشد ولی خدا در عهد عتیق در آن زمان اراده خود را به این وسیله مکشوف ساخت.

پس او را گفتند: «ما را اطلاع ده که این بلا به سبب چه کس بر ما عارض شده؟ شغل تو چیست و از کجا آمده ای و وطنت کدام است و از چه قوم هستی؟» او ایشان را جواب داد که: «من عبرانی هستم و از یهوه

خدای آسمان که دریا و خشکی را آفریده است ترسان می‌باشم» پس آن مردمان سخت ترسان شدند و او را گفتند: «چه کرده‌ای؟» زیرا که ایشان می‌دانستند که از حضور خداوند فرار کرده است چونکه ایشان را اطلاع داده بود

خداوند ترتیبی داد که یونس بتواند در کشتی با وجود اینکه در ایمانش سقوط کرده بود شهادتی در مورد خدای واقعی بدهد! خداوند اگرچه نمی‌خواهد که ما سقوط کنیم ولی گاهی از سقوط ما نیز می‌تواند برای جلال یافتن خود استفاده می‌کند! منظورم این نیست که سقوط کنیم تا خدا جلال یابد بلکه در حالت سقوط نیز آماده باشیم تا بعنوان فرزندان خدا او را خدمت کنیم و دوباره برخیزیم.

البته استفاده شدن از ما برای جلال خدا به معنی تأیید وضعیت ما نمی‌باشد! (رومیان ۹:۱۱)

و او را گفتند: «با تو چه کنیم تا دریا برای ما ساکن شود؟» زیرا دریا در تلاطم همی افزود، او به ایشان گفت: «مرا برداشته، به دریا بیندازید و دریا برای شما ساکن خواهد شد، زیرا می‌دانم این تلاطم عظیم به سبب من بر شما وارد آمده است.»

یونس یک چیز را خوب می‌دانست و آن اینکه مزد گناه موت است (رومیان ۶:۲۳). او فرد شجاعی بود و مسئولیت گناهش را پذیرفت و آنرا در مقابل دیگران اعتراف کرد (یعقوب ۵:۱۶) و آماده پذیرش مجازات بود. ما هم باید بدانیم که مزد گناه موت است و گناه مجازات دارد و نمی‌توان از آن فرار کرد، تنها می‌توان به رحمت خدا که بوسیله خون مسیح مهیا شده است توکل کرد.

اما آن مردمان سعی نمودند تا کشتی را به خشکی برسانند اما نتوانستند زیرا که دریا به ضدایشان زیاده و زیاده تلاطم می‌نمود

تلاش مردمان برای راضی کردن خدا برای بخشش گناه بدون مجازات مرگ، ما را به یاد تلاش ادیان مختلف برای رسیدن به خدا بدون مرگ مسیح بجای گناهان ما می‌اندازد.

پس نزدیوهه دعا کرده، گفتند: «آه‌ای خداوند به خاطر جان این شخص هلاک نشویم و خون بی‌گناه را بر ما مگذار زیرا تو ای خداوند هرچه می‌خواهی می‌کنی چقدر جالب است که آن مردمان نزد یهوه دعا کردند! خدا را شکر. آنها بر عدالت و قوت و حاکمیت خداوند اعتراف کردند.

پس یونس را برداشته، در دریا انداختند و دریا از تلاطمش آرام شد وقتی یونس به دریا انداخته شد خشم خدا برگشت. با مرگ مسیح نیز غضب خدا^۱ نسبت به ما برگشت. بعضی‌ها فکر می‌کنند

^۱ غضب خدا:

یوحنا ۳: ۳۶ آنکه به پسر ایمان آورده باشد، حیات جاودانی دارد و آن که به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند.» رومیان ۱: ۱۸ زیرا غضب خدا از آسمان مکشوف می‌شود بر هر بی‌دینی و ناراستی مردمانی که راستی را در ناراستی باز می‌دارند.

کنند که خدا امروز هم چکشی در دست دارد و منتظر است تا ما را بزند ولی خدا یکبار چکشش را بر میخی زد که بر صلیب در دستان و پاهای عیسی فرود آمد و خون نجات بخشش امروز همه کسانی را که توبه می کنند و ایمان می آورند نجات می بخشد.

و آن مردمان از خداوند سخت ترسان شدند و برای خداوند قربانی ها گذرانیدند و نذرها نمودند دوباره می بینیم که آن مردمان به عظمت و زنده بودن خدا پی می برند و قربانی ها و نذرها می کنند. کلا این کتاب نشان می دهد که خداوند در بین اقوام دیگر نیز حتی در عهد عتیق نیز کار می کرد و از آنها نیز افرادی نجات می یافتند.

و اما خداوند ماهی بزرگی پیدا کرد که یونس را فروبرد و یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی ماند. خداوند یونس را در دریا تنها نگذاشت، همانطور که عیسی در طوفان با شاگردان بود و با دوستان دانیال در تون آتش و با دانیال در چاه شیران. امروز هم خدا در طوفانهای زندگی همراه ماست تا طوفانها را آرام سازد، در تلاطم دریای آشفته زندگییمان همراه ماست تا ما را برهاند و در آتش مخالفتها و سختیها و جفاها همراه ماست، او دهان شیران را می بندد و به ما قوت می دهد تا مثل سامسون دهان شیر را (شیطان را - اول پطرس ۵:۸) بشکافیم (داوران ۱۴:۶).

و یونس از شکم ماهی نزد یهوه خدای خود دعا نمود
یونس در شکم ماهی دعا می کرد! استیفان در حال سنگسار شدن (اعمال ۷) و پولس و سیلاس در نصف شب در زندان (اعمال ۱۶) ولی ما حتی در بهترین شرایط نیز دعا نمی کنیم!
تصور کنید دعا در شکم ماهی و در حال سنگسار شدن را و بیدار شوید و تصمیم بگیرید که از امروز به طور منظم دعا کنید.

و گفت: «در تنگی خود خداوند را خواندم و مرا مستجاب فرمود.» از شکم هاویه تضرع نمودم و آواز مرا شنیدی
در این آیه اطمینان و ایمان قوی یونس را می بینیم که ایمان دارد خداوند دعای او را حتی از شکم ماهی نیز می شنود و جواب می دهد.

زیرا که مرا به ژرفی در دل دریاها انداختی وسیله مرا احاطه نمود. جمیع خیزابها و موجهای تو بر من گذشت در این آیه عمق مشکل او را می بینیم. تصور کنید ۳ روز زیستن در شکم ماهی. پس اینقدر از شرایط زندگی خود گله نکنید.

و من گفتم از پیش چشم توانداخته شدم. لیکن هیکل قدس تو را باز خواهم دید

رومیان ۲: ۵ و به سبب قساوت و دل ناتوبه کار خود، غضب را ذخیره می کنی برای خود در روز غضب و ظهور داوری عادلانه خدا افسسیان ۵: ۶ هیچ کس شما را به سخنان باطل فریب ندهد، زیرا که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می شود. کولسیان ۳: ۶ که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت وارد می آید.
اول تسالونیکیان ۵: ۹ زیرا خدا ما را تعیین نکرد برای غضب بلکه بجهت تحصیل نجات، بوسیله خداوند ما عیسی مسیح،

او در اینجا به رحمت و محبت و آمرزش خداوند اعتراف می کند و با ایمان نجات خود را می بیند.

آبها مرا تا به جان احاطه نمود و لجه دور مرا گرفت و علف دریا بسر من پیچیده شد. به بنیان کوهها فرود رفتم و زمین به بندهای خود تا به ابد مرا در گرفت. اما توای یهوه خدایم حیات مرا از حفره برآوردی. چون جان من در اندرونم بی تاب شد، خداوند را بیاد آوردم و دعای من نزد تو به هیکل قدست رسید. آنانی که اباطیل دروغ را منظور می دارند، احسان های خویش را ترک می نمایند

در حالیکه بی تاب و در وضعیت بدی بود خداوند را به یاد آورد و امیدش را به او بست و خداوند او را خجل نساخت.^۲

اما من به آواز تشکر برای تو قربانی خواهم گذرانید، و به آنچه نذر کردم وفا خواهم نمود. نجات از آن خداوند است «پس خداوند ماهی را امر فرمود و یونس را بر خشکی قی کرد.»

خدا را شکر. وقتی یونس شروع به شکرگزاری کرد و نذر و عهد با خدا کرد و از گنااهش توبه کرد و اعتراف نیکو کرد که نجات در خداوند است، خداوند به ماهی دستور داد و ماهی اطاعت کرد و یونس را در خشکی بیرون انداخت. حنا نیز وقتی نذر کرد پسرش را به خدا بدهد خدا سموئیل را به او داد و بعد از آن نیز پسرانی دیگر به او داد. (اول سموئیل ۱ و ۲)

پس کلام خداوند بار دوم بر یونس نازل شده، گفت: «برخیز و به نینوا شهر بزرگ برو و آن وعظ را که من به تو خواهم گفت به ایشان ندا کن.»

بعد از توبه و نجات معجزه آسا، خداوند بار دیگر به یونس ماموریت داد. چقدر این قسمت برای ما تسلی بخش است که خدا اگر ما اشتباهی می کنیم فوراً خدمت ما را نمی گیرد بلکه بعد از توبه اجازه می دهد که آنرا انجام دهیم. (همین اتفاق را می توانیم در زندگی نوح و ابراهیم هم ببینیم) البته اگر ما در گناه اصرار بورزیم به احتمال زیاد خداوند خدمت را از ما خواهد گرفت.^۳

آنگاه یونس برخاسته، بر حسب فرمان خداوند به نینوا رفت و نینوا شهر بزرگ بود که مسافت سه روز داشت. و یونس به مسافت یک روز داخل شهر شده، به ندا کردن شروع نمود و گفت بعد از چهل روز نینوا سرنگون خواهد شد

یونس اینبار سریعاً از خدا اطاعت می کند و چنان هیجان زده از نجاتش بود که راه ۳ روزه را در یک روز رفت. پیغام او فقط

^۲ خجل نشدن:

رومیان ۵: ۵ و امید باعث شرمساری نمی شود زیرا که محبت خدا در دل‌های ما به روح القدس که به ما عطا شد ریخته شده است.

مزامیر ۱۱۹: ۱۱۶ مرا به حسب کلام خود تأیید کن تا زنده شوم و از امید خود خجل نگردم.

^۳ می توان خدا را خدمت کرد و به نظر ثمر هم آورد (تنها به فیض و رحمت خدا) ولی امکان دارد خدا به هیچ وجه از ما راضی نباشد و حتی در روز داوری به ما بگوید: "شما را نمی شناسم" (متی ۲۳: ۷). خداوند بوسیله خدمت‌مان ما را به بهشت نمی برد بلکه مطابق زندگی کتاب مقدس‌یمان.

پیغام داوری^۴ بود و خبری از نجات نبود. انگار او نمی خواست آنها نجات یابند. موعظه او سطحی بود و انتظار بزرگی از آن نمی رفت. البته پیغام غضب خدا را به دشمنان ملی خود (آشوریان) موعظه کردن نشاندهنده شجاعت یونس نیز می باشد.

و مردمان نینوا به خدا ایمان آوردند و روزه را ندا کرده، از بزرگ تا کوچک پلاس پوشیدند. خیلی جالب است که این موعظه ساده، سطحی و بدون علاقه واعظ چنین تاثیری بگذارد و این نشاندهنده کار روح القدس است. خداوند می تواند با موعظه های ضعیفمان نیز پیروزیهای بزرگی به ما بدهد. البته این نشان نمی دهد که ما باید بد موعظه کنیم. ما باید با تمام توان و بهترین شکل ممکن و مطابق اصول صحیح وعظ موعظه کنیم ولی نتیجه بخش بودن آن کار خدا است نه ما.

و چون پادشاه نینوا از این امر اطلاع یافت، از کرسی خود برخاسته، ردای خود را از بر کند و پلاس پوشیده، بر خاکستر نشست. و پادشاه و اکابرش فرمان دادند تا در نینوا ندا دردادند و امر فرموده، گفتند که «مردمان و بهایم و گاوان و گوسفندان چیزی نخورند و نچرند و آب ننوشند. و مردمان و بهایم به پلاس پوشیده شوند و نزد خدا بشدت استغاثه نمایند و هر کس از راه بد خود و از ظلمی که در دست او است بازگشت نماید. کیست بدانند که شاید خدا برگشته، پشیمان شود و از حدت خشم خود رجوع نماید تا هلاک نشویم».

توبه مردم نینوا یکی از عمیق ترین و بهترین نمونه های توبه در کتاب مقدس می باشد. تمامی مردم با پادشاهشان توبه کرده و فروتن شدند و ۴۰ روز روزه گرفتند و برای گناهانشان ماتم گرفتند و گناهان خود را ترک کردند و به حرف خداوند و نبی اش ایمان آورده خواستار رحم خداوند شدند. خداوند به ما و شهر ما نیز عطا کند که چنین توبه ای بکنیم.

پس چون خدا اعمال ایشان را دید که از راه زشت خود بازگشت نمودند، آنگاه خدا از بلایی که گفته بود که به ایشان برساند پشیمان گردید و آن را بعمل نیاورد.

خدا را شکر. او خدایی است که می بیند و تغییر رفتار ما بر روی تصمیم او تاثیر می گذارد. (ارمیا ۱۸: ۸-۹) پس برای ما در هر وضعیتی امیدی هست (ارمیا ۱۷: ۳۱)، اگر اجازه دهیم خداوند با قلبمان صحبت کند و رفتارهای گناه آلود خود را ترک کنیم.

بعضی کارها و نتایج هست که عمل آن بستگی به دعا و عمل ما دارد و اگر دعا و عمل نکنیم انجام نمی گیرد!

اما این امر یونس را به غایت ناپسند آمد و غیظش افروخته شد، و نزد خداوند دعا نموده، گفت: «آه ای خداوند، آیا این سخن من نبود حینی که در ولایت خود بودم و از این سبب به فرار کردن به ترشیش مبادرت نمودم زیرا می دانستم که تو خدای کریم و رحیم و دیر غضب و کثیر احسان هستی و از بلا پشیمان می شوی؟ چقدر یونس بچگانه و نژادپرستانه فکر می کرد. او امید داشت که خدا او را ببخشد ولی نمی خواست خدا آشوریان را ببخشد! احتمالاً یونس از توبه جدی آنها غافلگیر شده است. او آنقدر عصبانی بود که صفات عالی الهی مثل "کریم و رحیم و دیر

^۴ موعظه کردن پیغام داوری خدا، غضب خدا بر گناه، قباحت گناه و واقعیت جهنم و ... هم می تواند باعث نجات و افزایش کیفیت زندگی ایمانداران گردد، موعظه های که متأسفانه کمتر امروز از آنها می شنویم.

غضب و کثیر احسان " خدا را برای آشوریان بد می دانست در حالیکه همین صفات خدا باعث شده بود که او از شکم ماهی نجات یابد!

ما هم گاهی مثل یونس طوری خودمان را عادل تر از گناهکاران می دانیم و آنها را مستحق جهنم ، که فراموش کرده ایم از رحمت و فیض خدا بوده است که ما نیز نجات یافته ایم.

پس حال ای خداوند جانم را از من بگیر زیرا که مردن از زنده ماندن برای من بهتر است یونس نیز مثل ایلیا ، ارمیا و ایوب خواستار مرگ می شود^۵ . چقدر یونس هنوز نیاز داشت که در خداوند رشد کند. این درسی به خادمین امروز هم هست ، که اگر خدمت می کنند فکر نکنند دیگر به چیز دیگری احتیاج ندارند!

«خداوندگفت» : آیا صواب است که خشمناک شوی؟ «و یونس از شهر بیرون رفته، بطرف شرقی شهر نشست و در آنجا سایه بانی برای خودساخته زیر سایه اش نشست تا ببیند بر شهرچه واقع خواهد شد خداوند از قائن هم چنین سئوالی کرد و یونس آنقدر گستاخ شده بود که جواب خدا را نیز نداد و رفت تا از زیر سایه نابودی شهر را ببیند! یونس اراده خود را می طلبید نه اراده خداوند را!

و یهوه خدا کدویی رویانید و آن را بالای یونس نمود داد تا بر سر وی سایه افکنده، او را از حزنش آسایش دهد و یونس از کدو بی نهایت شادمان شد خداوند با وجود رفتار زشت یونس با او به مهربانی رفتار کرد و حزن و غم او را به شادی تبدیل کرد. گاهی ما نیز از چیزهای کوچک شاد می شویم در حالیکه خداوند می خواهد ما به کار او بپردازیم تا جانها نجات یابند. مثل عیسو که با کاسه آشی شاد می شد نه با حق نخست زادگیش. (پیدایش ۲۵:۳۲ - عبرانیان ۱۲:۱۶)

اما در فردای آن روز در وقت طلوع فجر خدا کرمی پیدا کرد که کدو رازد و خشک شد - و چون آفتاب برآمد خدا بادشرقی گرم وزانید و آفتاب بر سر یونس تابید به حدی که بیتاب شده، برای خود مسالت نمود که بمیرد و گفت «: مردن از زنده ماندن برای من بهتر است» . خداوند می خواست علاوه بر نجات آشوریها درسهای نیز به نبی خود بدهد. بنابراین اینبار از کرم و آفتاب استفاده کرد تا به یونس نشان دهد او چقدر به فکر رفاه خود است ولی برای وضعیت ابدی یک شهر بی خیال است! یونس خیلی زود ناامید می شد و خیلی زود درخواست مرگ می کرد . شخصیت او واقعا متزلزل بود.

خدا به یونس جواب داد«: آیا صواب است که به جهت کدو غضبناک شوی؟ «او گفت» : صواب است که تا به مرگ غضبناک شوم

^۵ حتی بهترین خادمین نیز ممکن است لغزش خورند (اول قرنیتیان ۱۰:۱۲) و احساس ضعف و ناامیدی بکنند ، بنابراین ما وظیفه داریم همیشه برای خادمین خدا دعا کنیم و آنها را تشویق و راهنمایی کنیم. البته خادم خدا باید یاد بگیرد مثل داود خود را در خدا تقویت کند. (اول سموئیل ۳۰:۶)

در این کتاب یونس قهرمان نیست بلکه خدا قهرمان کتاب است که از وسایل مختلف و افراد مختلف برای تحقق اراده اش استفاده می کند. خدا هم در یونس ، هم در افراد کشتی ، هم در طبیعت و هم در شهر نینوا کار می کند. متأسفانه آخرین حرف یونس نیز حاکی از خشم او دارد ، نینوا توبه کرد ولی ظاهراً نبی واعظ هنوز توبه نکرده است! ^۶

«خداوند گفت» : دل تو برای کدو بسوخت که برای آن زحمت نکشیدی و آن را نمو ندادی که در یک شب بوجود آمد و در یک شب ضایع گردید. و آیا دل من به جهت نینوا شهر بزرگ نسوزد که در آن بیشتر از صد و بیست هزار کس می باشند که در میان راست و چپ تشخیص نتوانند داد و نیز بهایم بسیار ؟ خداوند دلش به حال گناهکاران می سوزد. هاللوویه . او دلش به حال اطفال می سوزد. جمعیت آن شهر با وجود اطفال ۱۲۰ هزار نفریش حدود ۸۰۰ هزار نفر باید باشد و چه بیداری بزرگی در آن زمان در این شهر اتفاق افتاده است . خدا امروز هم می تواند و می خواهد ما را بفرستد تا پیغام توبه از گناه را اعلام نماییم.

نتایجی که از داستان یونس می توانیم یاد بگیریم.

- ۱- خدا خواهان نجات همه ملتها و اقوام است .
 - ۲- خدا برای اینکار از انسانها و همچنین ما می خواهد استفاده کند .
 - ۳- ما اگر وظایفمان را انجام ندهیم تنبیه می شویم .
 - ۴- خدا است که خدمات ما را موفق می سازد پس مغرور نشویم هرگاه مریضی بر اثر دعای ما شفا می یابد و یا مردم نجات می یابند چون خداوند کار کرده است چون ما در خود قدرت نجات و شفا و آزادی نداریم.
 - ۵- خداوند خدای رحیمی است و دلش به حال مردم می سوزد و ما فرزندانش و کلیسا بدن و عروسش نیز باید اینگونه باشند.
 - ۶- مواظب باشیم با وجود اینکه دیگران را بسوی خدا هدایت می کنیم ، خود از نجات محروم نشویم. (اول قرنیتیان ۹:۲۷)
- خداوند خالق همه مردمان دنیاست و همه آنها را دوست دارد و نقشه ای برای نجات همه امتها دارد ، او در عهد عتیق نقشه اش را بوسیله اسرائیل و در عهد جدید بوسیله کلیسا می خواهد انجام دهد. در شخصیت یونس ما خود را می توانیم ببینیم. خدا به ما هم مثل یونس ماموریتی بشارتی داده است و ما هم به طرق مختلف گاهی از آن شانه خالی می کنیم. پیروزی و موفقیت در خدمت کار فیض خداست . ما باید مثل یحیی که در پیروزی عیسی خداوند شاد بود ، ما هم در پیروزیهای او شاد باشیم ، نه مثل یونس که اراده خود را می طلبید نه اراده خدا را.
- خدا به ما هم وظیفه و ماموریتی داده است. در صورت تخطی ما هم مجازات می شویم . موفقیت در ماموریت کار خداست. ما باید در پیروزی خداوند شاد باشیم و مثل او رحیم و پر محبت باشیم.
- پس بیایید مثل یونس سعی در فرار از ماموریت نباشیم. پیغام انجیل را به دیگران برسانیم هر چند به نظر ما نجات آنها غیر ممکن باشد نزد خدا همه چیز ممکن است، زیرا کریم و رحیم و دیر غضب و کثیر احسان است و خداوند به خدمت ما پیروزی می بخشد.

^۶ از کتاب یونس مشخص نیست که عکس العمل آخر او چه می باشد (مثل مشخص نبودن عکس العمل پسر بزرگ در داستان پسر گمشده- لوقا ۱۵) و واقعا نمی دانیم که آیا یونس توبه می کند و یا قلب خود را سخت نگه می دارد؟